

تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر مطالعه موردی محدوده ورودی سندج*

دکتر سید محمد رضا خطیبی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷



چکیده

کیفیت شهرها تابع ملاحظات منطقی طراحانه در فرایند کیفیت دهی به فضاها است. شهرهای امروزی ایران که دستخوش تحولات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و رویدادهای بسیاری تاریخ بوده است و واجد بستر لازم برای برقراری تعاملات اجتماعی نمی باشد و در راستای آن شکل گیری قرارگاه های رفتاری آن نیز مهیا نمی باشد. این بحث در صدد شناسایی و تشخیص هویت گذشته شهرها و بررسی مولفه های هویتی است تا با مداخلات طراحانه بتوان به احیای هویت پیشین آن ها دست یافت و با ارائه سنتزی از مولفه ها این مهم نائل آید. لذا فعالیت ها و رفتارهای انسانی و ارتباط متقابل محیط و رفتار شناسایی گردید تا نوعی هویت مطلوب در شهرها از طریق بسترسازی الگوهای رفتاری مشخص تبیین گردد. در این راستا با بررسی یک نمونه موردی، تأثیرات متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهری مشخص گردید.

واژه های کلیدی:

هویت، الگوهای رفتاری، طراحی شهری، محیط شهری، ورودی سندج

* مستخرج از رساله دکتری نگارنده تحت عنوان «تبیین اصول و معیارهای احیای فضاهای شهری گمشده، مبادی ورودی شهرها» به راهنمایی خانم دکتر فرح حبیب می باشد.

** دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

دارد؛ پس هویت نیز از آن شیء است. شیء در اینجا اصطلاح کلی است که شامل شیء صرف، ابزار و اثر هنری می شود. هویت، به این اعتبار، ویژه بودن (پارتیکولاریته ای) است که بر پایه خاصیت های طبیعی هر موجود تعیین می شود و بنابراین دگرگون شدن را که در ذات وجود موجودات است می پذیرد و آن را بیان می کند (صفایی منفرد، ۱۳۸۶).

هویت پاسخی است به پرسش در مورد چیستی یا کیستی موجودات. لذا معادل کلمه (Identity) در زبان انگلیسی است. معنای این کلمه در لغتنامه آکسفورد چنین ذکر شده است: «آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن» (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳).

به معنای متداول امروزی، هویت نتیجه فرایند "این همانی" است. همانطور که از اصطلاح تشخیص هویت^۲ بر می آید، منظور فرایند مقایسه بین عینیتی موجود با اطلاعات و داده هایی از آن، در یک حافظه است. مانند مقایسه اثر انگشت سارق در محل جرم با اطلاعاتی که از همان انگشتان در بایگانی پلیس وجود دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶).

هویت مربوط به شخصیت های مکانی که به افراد چیزی درباره محیط کالبدی و اجتماعی می گویند، می باشد. آن چیزی است که یک مکان دارا می باشد، زمانی که تا حدی به موقعیتش تعلق دارد و نه جای دیگری. هویت توسط محیط طبیعی و واکنش های افراد در مکان هایی که آن ها ساکن هستند، شکل گرفته است و تغییرات آن ها را به هم وابسته می کند (Dougherty, 2006).

آشکار کردن تاریخ یک مکان نقش مهمی را در هویت بخشی آن بازی می کند. مکان های عمومی که با تاریخ و فرهنگ شهر عجین شده اند، در ذهن یک ارتباط میان کاربران و مکان ها را ایجاد می کند. کوشش در جهت حرکت به سوی معماری و شهرسازی با هویت پاسخی به نیازهای معنوی انسان ها در کنار نیازهای مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه های اول و دوم توسعه کشور به صورت کلی و در برنامه های سوم و چهارم توسعه به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

هویت شهرها از سه جنبه قابل بررسی است، هویت طبیعی، هویت انسانی و هویت مصنوع. این سه جنبه را می توان به شرح زیر توضیح داد:

مؤلفه های هویت طبیعی

عناصر طبیعی نشان دهنده هویت طبیعی هر مکان می باشند و از آنجا که طبیعت از ابتدا جزئی از وجود انسان بوده و فرد در کنار آن به آرامش می رسد، شهرها و عناصر آن باید چنین محیط و بستری را فراهم سازند و محل آرامش انسان باشند. این آرامش عموماً در کنار جنبه کالبدی، جنبه احساسی و روانی نیز دارد. به این ترتیب که عناصر طبیعی و برجسته محیطی مانند کوه، رودخانه نشانه هایی آشنا برای افراد شهر

تفکر شکل گیری شهرها در دو رویکرد قابل بررسی است. دیدگاهی که به گذشته شهرها و دیدگاهی که به آینده شهرها به مثابه یک الگوی ایده آل دست نیافتنی توجه دارد. به عبارت دیگر هویت گذشته شهرها چه بوده است که بر آن اساس الگوواره هایی برای هویت آینده شهرها اندیشید. شهرهایی که تحت تأثیر تفکرات مدرن شکل گرفتند و یا بخش هایی از آن ها تغییر شکل یافتند امروزه دچار مشکل شده و به طور پیوسته در پی یافتن هویت خود هستند، هویتی که آنان را به گذشته پیوند دهد، ولی در عین حال برآورنده نیازهای حال و آینده نیز باشد. این چنین است که گذشته شهرها به صورت گنجینه ای برای آنان در می آید، اما در این دیدگاه بخش های کهن شهری تنها موزه های بزرگی نیستند که مردم از آن ها بازدید می کنند، این مناطق نه تنها نقاط عاطفی در شهر هستند که در آن کیفیات بصری و احساسی به اوج می رسد، بلکه در عین حال مراکزی برای تجارت، سکونت، فعالیت و عملکردهای فرهنگی نیز هستند که به پویایی و جذابیت های بخش برجامانده از گذشته می افزاید.

هویت و مؤلفه های هویتی

تعریف هویت در لغتنامه دهخدا چنین است: هویت عبارت است از تشخیص و همیت معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است. هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می گردد، گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می شود. علاوه بر آن هویت به معنای متداول آن نتیجه فرایند این همانی^۱ است (بهزاد فر، ۱۳۸۶).

هویت به معنای تشخیص و وجود آنچه موجب شناسایی شخص باشد - همچون شخصیت یا کیفیت- بیانگر ویژگی های هر فرد یا پدیده ای می باشد. هویت، شخصیت و یا کیفیت هر چیز می تواند در سنجش با معیارهایی، خوب یا بد، ارزیابی شود. بی هویت، بی شخصیت و یا بی کیفیت خواندن افراد یا پدیده ها اشتباهی رایج است که به جای بد هویت، بد شخصیت یا بد کیفیت به کار می رود. هویت وابسته لاجرم هر چیزی است که وجود دارد (حجت، ۱۳۸۴).

هویت عبارت است از ماهیت که با تشخیص لحاظ شده باشد. «داوود قیصری رومی» در مقدمه «فصوص الحکم» هویت را چنین تعریف کرده است: «آنچه را شیئیت به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند، و به اعتبار تشخیص، هویت نامند و با قطع نظر از هر یک ماهیت گویند». آنچه شیئیت شیء به آن است، ماهیت است؛ و هویت، ماهیت به اعتبار تشخیص. ماهیت (جنس نزدیک هویت) از آن شیء است؛ یعنی آنچه که به سبب نسبت با وجود مطلق شده و بدین سان وجود

فرد پیاده تحلیل می کند. همین طور است نظر اسکار نیومن در کتاب «فضاهای قابل دفاع»، و نظر ادواردز و توماس در کتاب «طراحی شهری پایدار» و یا «شیوه طبقه بندی اثر هنری» سانوف.

کریستوفر الکساندر برای تعریف هویت در بناها و شهرها عنوان نموده است: باید کار را با درک این مطلب شروع کنیم که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوی خاصی از رویدادهایی که در آن مکان حاصل می شود شکل می گیرد. هویت هر شهر یا بنا بیش از هر چیز تحت تاثیر رویدادی است که در آن اتفاق می افتد. فعالیت ها، رویدادها، نیروها، حالات، اعتصابات، مردن ماهی ها، جاری شدن آب، قهر عشاق، سوختن کیک، دنبال هم کردن گربه ها، نشستن گنجشکی پشت پنجره و نظایر آن، رخدادهایی هستند که زندگی هر فرد از آن ها ساخته شده است (کربلایی نوری، ۱۳۸۶).

پس هویت هر فضا از نظر الکساندر، حاصل رویدادهایی است که در آن اتفاق می افتد. همین طور که کل شکل می گیرد، هویتی جاودانه به خود می گیرد که آن را شایسته نام هویت جاودانه می کند. این هویت، هویتی ویژه و کالبدی دقیق و ظریف است که هرگاه بنا یا شهری زنده می شود باید بوجود آید. این هویت تجسم کالبدی کیفیت بی نام در بناهاست (الکساندر، ۱۳۸۶).

مایکل هاوف نیز در کتاب خارج از مکان^۳ یک طرح فلسفی برای ایجاد مکان هایی که یک هویت دارند، پیشنهاد می کند. در حالی که مرکز توجه وی منطقه ای است که نظریات او می تواند در یک شهر به خوبی اعمال شود. چنانچه هاوف اظهار می کند، هویت در مرکز شهر مبتنی بر پیوستگی ساخت محیط است - جدولی از شکل ساختمان، مکان های شهری، میدان ها، پارک ها، خیابان ها و راه هایی که پیوند داده شده اند، چهارچوب سازمان دهنده هستند (Dougherty, 2006).

بمراں هویت

امروزه بحران هویت به عنوان بحرانی جهانی شناخته شده است. یک بعد این مسئله مربوط به یکسان و یکنواخت شدن همه مکان هاست. هر چند معمولاً بحران هویت به بی هویتی مکان تعبیر می شود، ولی بعدی دیگر نیز بر این امر مترتب است و آن مسئله آگاهی از دیگر مکان هاست. در گذشته انسان ها در هر کجا که زندگی می کردند احساس ریشه دار بودن در مکان و وابسته بودن به مکان در آن ها وجود داشت. امروزه آگاهی از دیگران، مکان ها و امکان نقل و انتقال و مسافرت و یا مهاجرت احساس ریشه دار بودن در مکان را از میان برده و در قبال آن نوعی آگاهی مکانی به وجود آورده است. همین امر مسئله ارزیابی مکان را مهم تر از گذشته کرده است (رضازاده، ۱۳۸۵). امروزه معماران معاصر ایرانی در برابر بحران هویت و ناهماهنگی های

می باشند و این نشانه ها با افراد و ساکنین و شهروندان ارتباط برقرار می کند و جزئی از وجود و خاطره آن ها می شود.

مؤلفه های هویت انسانی

مبحث هویت شهری علاوه بر جنبه های کالبدی - جغرافیایی، با مباحث اجتماعی - انسانی نیز در آمیخته است و بدون در نظر گرفتن این جنبه ها مفهوم مشخصی را در بر نمی گیرد. به طور کلی بافت های شهری و به ویژه بافت تاریخی صرفاً واجد ارزش های کالبدی نیست و نمی توان آن را تنها از جنبه کالبدی تحلیل کرد و مسائل و مشکلات آن را تنها از این دیدگاه بررسی نمود. حضور فرد در یک فضا و یا مکان شهری تنها به برداشت کالبدی وی از فضای شهری منجر نمی شود، بلکه عموماً بین فرد و فضا یا کالبد فضایی ارتباطی برقرار می شود که در ذهن فرد جای می گیرند و زمینه ساز برداشت ذهنی او از محیط اطراف می گردد.

مؤلفه های هویت مصنوع

ساخته های بشری و عناصر کالبدی مصنوع، با تمام ویژگی های حاکم بر آن همچون فرم، ابعاد، اندازه و تناسبات به عنوان تبلور کالبدی ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی، محیطی که تحت عناوین هویت انسانی و هویت طبیعی از آن یاد شد، یکی از عوامل اصلی شکل گیری هویت شهری مطرح می باشند. هویت مصنوع، ابعاد مختلف ساخت و استخوانبندی اصلی شهر مشتمل بر مشخصات کالبدی، مشخصات عملکردی، مشخصات فضایی و بصری را در بر می گیرد (طاهری، ۱۳۸۱ و بهزادفر ۱۳۸۶).

از دیدگاه شهرسازان غربی در طراحی شهری گرایش های مختلفی وجود دارد که هر یک از زاویه دید خود عوامل تشکیل دهنده هویت شهری را به صورتی متمایز معرفی می کنند. هر چند شاه بیت همه این گرایش ها، خاطره و فضاست، اما نحوه رویکرد به این دو را متفاوت می بینید.

کربلایی نوری (۱۳۸۶) چکیده ای از این نظریات را ارائه می دهد: مثال گردن کالن در کتاب «خلاصه منظر شهری» روش های منظر را ارائه می کند و هویت ساز می داند، یا کوین لینچ در کتاب «سیمای شهر» تحلیل تصویر ذهنی شهر را مهم بر شمرده است و کارل کروفر در مقاله «بافت شهری و ویژگی های شهر»، ریخت شناسی شهر را مطرح می کند. از نظر او ریخت شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخیص و هویت شهر را نشان می دهد. هیلر و هنسون نحوه چیدمان فضا را در ساخت هویت شهر موثر می دانند و جان فروین در کتاب «طراحی و برنامه ریزی پیاده»، شهر را از منظر

جدول ۱. طبقه بندی نظرات در ارتباط با مقوله بحران هویت ۴

نظریه پردازان	نظریات	
	کسانی که بر هویت ویژه خود پافشاری ندارند و اساساً وجود بحران را هم چنان نمی پذیرند. این دسته سخن از بحران هویت را بر نمی تابند و آن را نابه جا می شمارند.	دسته اول
پیرنیا، میرفندرسکی، حجت، سلیمانی پور، دانشدوست، توسلی، زین الدین، میرمیران، دیبا، اردلان، حاتری، سلطانزاده، صفامنش	کسانی که هویت را امری دگرگون شونده می دانند و نگران این مورد نیستند. این دسته هویت را امری عادی و پذیرفتنی می دانند.	دسته دوم
ندیمی، حجت	کسانی که برداشتن یک هویت ویژه پافشاری می کنند. این دسته هویت خواه و هویت جو است	دسته سوم

موجود رویکردهای گوناگونی دارند که می توان آن ها را در سه دسته کلی بررسی کرد.

الگوهای رفتاری و هویت شهری

نحوه رفتار مردم در فضا شامل تعاملات آنان با یکدیگر و با فضا است. بدیهی است که الگوی رفتاری بر اجزاء هویت ساز شهر (بر هویت عینی و ذهنی) تاثیر گذار است. می توان نظریات ارائه شده در مورد اجزاء هویت شهر را چنین تدوین کرد:

- منظر عینی شهر شامل: دید و منظر شهر، ریخت شهر، نحوه چیدمان فضا که بر نظم فعالیت ها و رفتارها تاثیر گذار است.
- تصویر ذهنی شهر شامل: تصورات مردم از شهر، خاطرات، امنیت در شهر، تکرار رویدادها، رویاها

فعالیت و رفتار

نحوه انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، می باشد. بنابراین هر فعالیت تحت تاثیر شرایط فوق می تواند اشکال مختلفی بخود گیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. به عنوان مثال روی نیمکت نشستن، چمباتمه زدن، لم دادن رفتارهای مرتبط با فعالیت نشستن هستند (پاکزاد، ۱۳۸۵). رفتار منتج از برداشت ها و دیدگاه های^۵ فرد از محیط اجتماعی و مصنوع است (آلتن، ۱۳۸۲).

رفتارها در فضای شهری

برخی رفتارها وابسته به فعالیت هایی هستند که اصولاً در فضایی شهری انجام نمی گیرند، بدیهی است که این رفتارها از چهارچوب این بحث خارج است. آنچه در این مقوله جای می گیرد رفتارهای ناشی از فعالیت های

موجود در فضای شهری است. مطابق با نظر گل (۱۹۸۷) فعالیت های مردم را در فضاهای عمومی می توان در سه گروه طبقه بندی کرد که هر یک به ویژگی های متفاوتی در محیط کالبدی نیاز دارند: فعالیت های ضروری، فعالیت های انتخابی، و فعالیت های اجتماعی .

فعالیت های اجباری: فرد در هر شرایطی ناگزیر از انجام این فعالیت ها است. از آنجا که فعالیت هایی از این دست اجباری است، کمترین تاثیر را از محیط مادی و فضای عمومی می پذیرد ، چون در همه روزهای سال و تحت هر شرایطی انجام می گیرد.

اگر محیط بیرونی کیفیت نازلی داشته باشد، مردم فقط فعالیت های ضروری را انجام می دهند؛ و در جایی که کیفیت فضایی بالاست، علاوه بر اینکه به فعالیت های ضروری می پردازند، تمایل آن ها به حضور در محیط و ترجیح دادن پیاده روی را به عبور سریع با اتومبیل بیشتر می شود.

فعالیت های اختیاری: این گونه فعالیت ها جنبه حیاتی ندارند و در شرایطی انجام می گیرند که زمینه مطلوب برای آن ها فراهم باشد، مانند فعالیت های تفریحی.

فعالیت های اجتماعی: انجام این فعالیت ها منوط به حضور افراد دیگر در فضا است و اصولاً خارج از صورت جمعی امکان پذیر نیستند؛ مانند بازی کودکان ، دیدار کوتاه با همسایگان و کسبه محل (Gehl, 1987).

بدیهی است که ترکیب این سه نوع حضور در فضا که برآیندی از ویژگی های ساختار روانشناسی فضایی هستند، بر درک از هویت مکان تاثیر گذار است.

محیط به آنچه در پیرامون وجود دارد و به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می گیرد، اطلاق می شود. هر چند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ارسال می گردند. هر چند که تنها برخی از آنان در گزینش

ادراک، جذب می گردند.

ارتباط رفتار و محیط

از الگوهای گوناگونی برای بررسی محیط و رفتار انسان ها استفاده شده است. الگوی رفتاری انسان را موجودی رفتار محور قلمداد نموده است. این رویکرد کنشگرانه بر وابستگی های محیطی به مثابه عوامل تعیین کننده رفتار تاکید و تلاش می کند آن ها را شناسایی و در طراحی لحاظ کند. در الگوی بوم شناختی، رفتار و محیط چنان در هم تنیده شده است که تفکیک آن ها دشوار است. رفتار در بستر محیط تعریف پذیر است. طبق این رویکرد محیط، ادامه هستی و شخصیت افراد به شمار می رود. در واقع افراد عامل تغییر محیط هستند و نه پذیرنده صرف تاثیرات محیطی. این رویکرد رابطه انسان را با محیط خود پویا و دائم در حال تغییر می داند. طبق این رویکرد، رابطه انسان با محیط در سطوح گوناگون برقرار می شود، زیرا تاکید بیش از حد بر یک سطح، فرد را از یک کیفیت نظام مند رابطه رفتار و محیط غافل می کند. این رویکرد قابلیت پیوند دادن رویکرد مکان محور طراح را با رویکرد فرایند محور پژوهشگر دارد (آلتن، ۱۳۸۲). الگوهای رفتاری ناشی از فرهنگ، اعتقادات، عادات، محیط زندگی، قوانین حاکم بر جامعه و خصوصیات فردی است و هر کدام از این شاخصه ها به تنهایی یا به همراه سایر عوامل، رفتارهای متفاوت افراد را توجیه می کند. در هر حال الگوهای متفاوت رفتاری، محیط های خاص خود را برای بروز یا کنترل احتیاج دارند.

در محیط های شهری مختلف افراد و گروه های متجانس شهروندان بنا به هدفی که دارند رفتارهای گوناگونی را از خود بروز می دهند. بنا به نظر چپین و بریل فعالیت هر فرد در فضا تابع الگوی فضایی سیستم فعالیت اوست. سیستم فعالیت در واقع جاری شدن فعالیت در طی زمانی خاص برای نیل به هدفی خاص است. در سیستم فعالیت فرد واحدی از رفتار را از خود بروز می دهد که اصطلاحاً به عنوان یک اپیسود در مکان خاص شناخته می شود. بر این اساس دیوید هاویلان اصطلاح «فضای فعالیت» را مطرح می سازد و راجر بارکر مبدع روانشناسی اکولوژیکی اصطلاح قرارگاه رفتاری را معرفی می کند. بارکر الگوهای رفتاری را به شکلی مرتبط با مکان کالبدی همان رفتار توضیح می دهد. بارکر از طریق مشاهده رفتار مردم در خارج از آزمایشگاه و در محیط واقعی شهر قرارگاه های گوناگون رفتاری محیط مصنوع از یک ساختمان گرفته تا یک شهر را علاوه بر اهداف زیبایی شناسانه، در جهت تامین محیط رفتاری افراد ذینفع در محیط (فضای فعالیت یا قرارگاه رفتاری) مورد توجه قرار می دهد. بر اساس نظریه بارکر، قرارگاه رفتاری به فضایی اطلاق می شود که با دو مجموعه عناصر ارتباط دارد: عناصر روانشناسی و عناصر غیر روانشناسی. عنصر روانشناسی از نظر بارکر به

شکل خاصی از رفتار اشاره می کند و عنصر غیر روانشناسی شامل اشیای مادی است که بروز رفتارهای خاصی را تسهیل می بخشد. مشاهده شده است که احتمال بروز رفتاری خاص در یک قرارگاه رفتاری مشخص بیش از احتمال بروز رفتاری دیگر است. چنین احتمال رفتاری بطور مستقیم به درک ما از هویت مکان ارتباط پیدا می کند (عباس زادگان، ۱۳۸۶). راپاپورت (۱۹۷۷) ارتباط رفتار و محیط را در سه سطح طبقه بندی کرده است: این رابطه با بررسی دو مقوله «ارتباط آن دو موضوع» و «عکس العمل ها در انطباق با محیط» نمایش داده می شود.

جبر گرایی

در این نظریه محیط کالبدی ارتباطی مستقیم با نوع رفتار دارد. گویی محیط نوعی اجبار مبنی بر به کار بردن نوعی رفتار خاص ایجاد می کند و مسئله رفتار و فرهنگ در این نظریه جایی ندارد. (شکل ۱)

امکان دهندگی

در این نظریه محیط امکان و یا محدودیت فراهم می سازد و رفتار بر اساس مسائل فرهنگی شکل می گیرد. در اینجا بحث انعطاف پذیری مطرح می شود. از دیگر مثال هایی که می تواند امکان دهندگی محیطی را توجیه نماید در یک پارک محله ای به عنوان نمونه استقرار نیمکت (یکی در کنج و دیگری در گذر عبوری) امکان نشستن در هر دو نیمکت وجود دارد و اینجا است که مفهوم تاثیر مسائل فرهنگی هویت پیدا می کند. (شکل شماره ۲)

اهتمال دهندگی محیطی

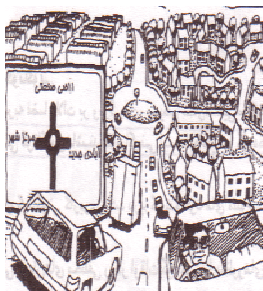
در این نظریه محیط به دلایل شرایط کالبدی خاص احتمال بروز برخی رفتارها را افزایش می دهد. به عبارت دیگر محیط شرایطی ایجاد می کند که احتمال بروز برخی رفتارها را نسبت به برخی دیگر افزایش می دهد. در اینجا بحث گوناگونی و حق انتخاب پیش می آید (عباس زادگان، ۱۳۸۴).



شکل ۲. امکان دهندگی محیطی (مأخذ: بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)



شکل ۱. جبر گرایی محیطی (مأخذ: بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)



شکل ۳. احتمال دهنده‌گی محیطی
(مأخذ: بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)

به عنوان مثال در شکل شماره ۳ دور بودن اراضی صنعتی در این فضا احتمال رسیدن افراد به آن فضا را با وسیله نقلیه افزایش می دهد.

عکس العمل ها در انطباق با محیط

انسان در فرآیند انطباق با محیط هفت نوع واکنش ممکن است نشان دهد:
عکس العمل عمومی: به سه شکل تظاهرات عمومی، انعکاس در رسانه ها و تحریم فضا دیده می شود.



شکل ۴. وجود یک کاروانسرای مخروبه در یک خیابان تجاری شهر و ایجاد یک فضای بی دفاع و اعتراض همگانی به وجود این فضای بی امن

انطباق در درک فضا: در این نوع انطباق محیطی فرد خود را با وضع موجود سازگار می کند به عنوان مثال افرادی که در کنار اتوبان ها، استادیوم ها زندگی می کنند زندگی خود را با این وضع وفق داده اند.
تنظیم و تعدیل محیط و دفاع از خود: که منظور تغییرات در محیط جهت مطلوب کردن آن است. (شکل ۵)



شکل ۵. تنظیم و تعدیل محیط و دفاع از خود

انطباق در رفتار: در این نوع انطباق در شرایطی که نمی توان جهت مطلوب نمودن محیط، در آن دخل و تصرف نمود، استفاده کننده از فضا در رفتار خود تغییراتی صورت می دهد. به عنوان نمونه با تغییر در ساعات خواب یا بردن اتاق خواب به جایی دور از خیابان یا دو جداره کردن پنجره مشرف به خیابان و تغییر در سایر رفتار هایش با محیط سازگاری می کند. (شکل ۶)



شکل ۶ انطباق در رفتار

انطباق نیازها و توقعات: در این نوع انطباق فرد نیازها و توقعاتش را با تغییرات صورت گرفته با محیط وفق می دهد. به عنوان مثال فردی که دارای ملکی با زمین زیاد است و در زمین خود انواع گیاه و درخت کاشته است در صورت ایجاد تغییر در محیط طبعاً نیاز وی هم تغییر می کند و به یک زندگی آپارتمان نشینی روی می آورد و برای ارضای نیازش به کاشتن گل و گیاه اندکی در بالکن بسنده می کند. (شکل ۷)
انطباق از طریق ترک محیط: در صورت موثر واقع نشدن عکس العمل های ذکر شده در انطباق با محیط فرد مجبور به ترک محیط می شود.



شکل ۷. انطباق نیازها و توقعات.
(مأخذ: بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)

درمانده‌گی: آخرین و بدترین شکل واکنش انسان در مقابل محیط است که می تواند منجر به ناراحتی روحی و روانی گردد. (عباس زادگان، ۱۳۸۴)
از آنجایی که عکس العمل های مطرح شده در انطباق با محیط، بر نوع نگرش و حساسیت های استفاده کنندگان از فضا تاثیر گذار است، بر رفتار

آن‌ها و همچنین درجه وابستگی و حس تعلق آن‌ها نیز اثر گذار است. در چنین شرایطی مفهوم هویت مکانی نیز دچار تحول خواهد شد.

مؤلفه های طراحی شهری جهت امیای هویت محیط های شهری

هویت مطلوب شهری حاصل عوامل متعدد و مولفه های مختلفی است. مولفه های زیست محیطی، تاریخی-مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، عملکردی، عوامل کالبدی و نهایتاً روان شناختی و ادراکی مجموعه عوامل و مولفه هایی هستند که استخراج مفاهیم هر یک و پیش بینی تعاملات آن‌ها با یکدیگر می تواند در تبیین هویت مطلوب شهری تاثیر عمده داشته باشد.

مولفه های زیست محیطی: تاثیر پذیری هویت شهری از محیط زیست طبیعی امری بدیهی و درخور تامل است، زیرا ارتقاء کیفیت محیط زیستی مصنوع، با استفاده از اعمال الگوها و متغیرهای طبیعی صورت می گیرد. مولفه های تاریخی-مذهبی: تاکید بر نشانه های تاریخی و مذهبی دوره های مختلف بر اجتماعات در درک گذشته کمک می کند و مجموعه تجارب ادراکی آنان را پر بارتر می سازد و اغلب به ایجاد مجموعه ای منجر می شود که منحصر بفرود است و شخصیت و هویت شهر را تحت تاثیر قرار می دهد.

مولفه های اجتماعی-فرهنگی: فضای جدید باید چکیده و خلاصه فضای کالبدی-فرهنگی و شکل گرفته گذشته ای باشد که توان ایجاد حس تعلق خاطر در ساکنان جدید را داشته باشد. مولفه های عملکردی: برای هویت بخشیدن به شهرهای جدید به تعریف دقیق تقسیمات کالبدی-فضایی در سطوح مختلف شهر نیاز است، بگونه ای که هر مرکز تقسیم پاسخگوی نیازهای سطح خود باشد.

مولفه های کالبدی: این مولفه ها به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده شهر، عموماً تحت تاثیر نیازهای مختلف شکل می گیرند و بنابراین به عنوان ویژگی شهری می تواند نمایانگر شخصیت واقعی شهر تلقی گردند. مولفه های روان شناختی و ادراکی: منظر و تصویر ذهنی مردم از شهر از تعامل میان آنان و مکان خلق می گردد. بنابراین می توان چنین تلقی کرد که وجود تصویر ذهنی قوی از مکان، خالق و پشتیبان هویت شهر خواهد شد. با توجه به اینکه این مقاله رویکردی رفتاری به مقوله هویت دارد، لذا نقش مولفه های اجتماعی-فرهنگی و روانشناختی-ادراکی پررنگ تر خواهد شد. طراحان شهری باید با پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان در محیط های شهری و دمیدن مولفه های انسانی هویت در روح حاکم بر فضا، محیطی هویت مند ایجاد کنند تا در افراد حس تعلق به مکان ایجاد شود و آن‌ها به حضور بیشتر در فضا و برقراری تعاملات اجتماعی ترغیب شوند. به گفته الکساندر (۱۳۷۶)، مردم به فضاهای هویت مند

نیاز دارند تا به آن‌ها تعلق داشته باشند. بررسی تعامل میان مولفه های مذکور منتج به ارایه راهکارهای موجد قرارگاه های رفتاری و شکل گیری تعاملات اجتماعی می باشد که بر اساس آن اصولی مبین هویت آینده شهرها استنتاج گردد.

از اصول قابل توجه در مداخلات طراحانه شهری در احیای هویت شهرها و محیط های شهری که منجر به حضور پرنگ تر افراد در محیط و برقراری تعاملات اجتماعی در آن می شود، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

رویدادهای انسانی: تلاش در جهت نمود عینی بخشیدن رویدادهای انسانی و تاریخی محیط و فضاهای شهری

رویدادهای تاریخی محیط: توجه به سیر تحول تاریخی مجموعه(هویت گذشته)، تحلیل وضعیت موجود(هویت کنونی) برای دستیابی به اهداف مورد نظر

تعادل تصویر عینی و ذهنی افراد بهره بردار: انطباق تصویر ذهنی افراد بهره بردار از فضا با عینیت آن‌ها جهت جلوگیری از دچار شدن افراد به بحران هویت در سایه مداخلات منطقی طراحانه

محوریت افراد بهره بردار: مداخلات طراحان شهری در یک فضای شهری می بایست بر اساس «آنچه را که مردم می بینند»، «آنچه را که مردم می ستایند» «آنچه را که مردم می توانند استفاده کنند» «آنچه را که مردم به خاطر می آورند» «آنچه را که مردم تداعی می کنند» باشد.

پاسخ به نیازهای افراد در محیط های شهری: پاسخگویی به نیازهای پنج گانه افراد در فضاهای شهری جهت ایجاد حس تعلق به مکان در کاربران، مطابق با نظریه کار و همکاران، وی نیازهای اساسی انسان در فضای شهری را راحتی، آسودگی، حضور فعال در فضا، حضور غیر فعال در فضا و کشف بر شمرده است.

ارتباط منطقی محیط و رفتار: توجه به ارتباط بین محیط و رفتار مطابق با سنت کاربرد اجتماعی کارمونا در خصوص فضای شهری. کارمونا در خصوص روش های پژوهش در طراحی شهری سه سنت را معرفی می کند که در طراحی فضاهای باز شهری موثر هستند. این سه سنت عبارتند از: سنت بصری-هنری، سنت کاربرد اجتماعی و سنت خلق مکان.

مدنظر قرار دادن ویژگی های هویتی فضاهای شهری (کالبدی، عملکردی، معنایی)

القاء مولفه های طراحی شهری جهت احیای هویت فضای شهری مورد نظر

بررسی نمونه موردی (الگوی رفتاری منمصر بفر در محور ورودی شهر سندنجد از سمت همدان)

محور ورودی سندنجد از همدان به دلیل وجود قابلیت های بالقوه طبیعی



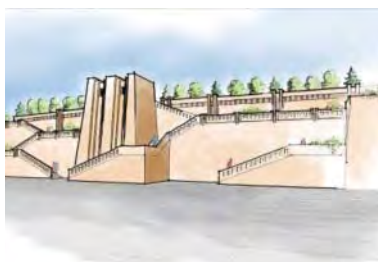
شکل ۹. الگوی رفتاری منحصر بفرد در شانه های خاکی جاده ورودی شهر سنندج



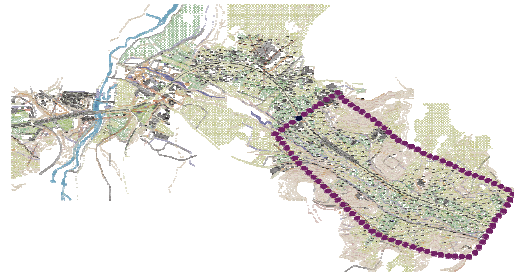
شکل ۱۰. امنیت، کیفیت فراموش شده در عرصه ورودی



شکل ۱۱. تپه، جداره عجین شده با جاده ورودی



شکل ۱۲. هدایت الگوهای رفتاری با طراحی قرارگاه رفتاری فراز تپه



شکل ۸. نقشه محدوده ورودی سنندج، (مأخذ: مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۷)

و داشتن دیدها و چشم اندازهای زیبای طبیعی واجد قابلیت تبدیل شدن به یک محور پویا و فعال است که در حال حاضر به دلیل عدم تعریف و طراحی مناسب، پایین بودن ضریب ایمنی و امنیت قرارگاه های رفتاری و کیفیات نازل محیطی، از پویایی آن در قسمت هایی از محدوده کاسته شده است.

بر طبق گفتگوها و مصاحبه های به عمل آمده از افرادی که به ویژه در روزهای پایانی هفته در محدوده پلیس راه تا گردنه صلوات آباد در حوزه های شانه های راه (پهنه های حاشیه محور ورودی) حضور پیدا می کنند، مهمترین دلیل حضور خود در این محدوده را ملاقات دوستان و آشنایان عنوان می کردند که طی هفته وقت کافی برای دید و بازدید با آن ها را نداشته اند. تعبیری که اکثریت افراد از این محدوده می کردند فضایی به عنوان نمایشگاه ماشین است که افراد اتومبیل های خود را به صورت عمود بر مسیر جاده در حاشیه مسیر پارک می کردند و نظاره گر اتومبیل های مدل بالایی بودند که محدوده پلیس راه تا گردنه صلوات آباد را به صورت رفت و برگشتی طی می کردند.

الگوی رفتاری ذکر شده جالب ترین و منحصر بفرد ترین الگوهای رفتاری در میان ورودی شهرهای مختلف کشور است که سابقه شکل گیری فراتر از ۲۰ سال را دارد. ولی نکته قابل ذکر این است که شکل گیری چنین قرارگاه رفتاری در محدوده ورودی شهر توجیه دارد؟ آیا بروز این الگوی رفتاری منحصر به فرد با امنیت افراد بهره بردار منافاتی ندارد؟ آیا بروز این گونه الگوهای رفتاری در محدوده ورودی شهرها که یکی از عناصر هویتی هر شهر هستند منطقی به نظر می رسد؟

برای پاسخ به سوالات مذکور نیازمند توجه ویژه به این محدوده هاست که با شناخت نیازهای مشترک استفاده کنندگان از این فضاها به رفع نیازها از طریق پیش بینی تمهیدات و مداخلات طراحانه در سطح خرد پرداخت. هر طراح و برنامه ریز در برخورد با الگوهای رفتاری مردم سه اقدام می تواند انجام دهد: حفظ الگو، حذف الگو و هدایت الگوی رفتاری.

در ارتباط با الگوهای رفتاری افراد در این نمونه موردی، از طرفی به دلیل سابقه طولانی این قرارگاه رفتاری نمی توان آن را حذف کرد، از

طرف دیگر به دلیل به خطر افتادن امنیت افراد بهره بردار حفظ وضعیت موجود آن نیز منطقی به نظر نمی رسد. پس هدایت این الگوی رفتاری مناسب ترین گزینه می باشد.

ارائه طرح بر این مبنا بود که با بهره گیری از مواهب طبیعی موجود در آنجا (تپه های دژ مانند) که از جمله عناصر هویتی شهر سندج می باشد، با ایجاد دخل و تصرف در آن تپه ها افراد را به بالای آن هدایت کرد.

این تپه به دلیل ارتفاع مناسب و دید مطلوبی که به فضای پیرامون و شهرداری، محل مناسبی برای ایجاد یک قرارگاه رفتاری جدید است. انگیزه اصلی جهت ایجاد قرارگاه رفتاری در این نقطه و بالای تپه امکان نفوذ مردم به داخل طبیعت و تعیین نظرگاه های جدید جهت گردشگران است. زیرا در وضعیت فعلی تقریباً در هیچ نقطه ای از مسیر امکان نفوذ سهل مردم به داخل طبیعت و فاصله گرفتن از جاده پر رفت و آمد وجود ندارد.

بدین لحاظ پیشنهاد می گردد با طراحی مناسب ضمن ساماندهی جداره طبیعی تپه توسط دیوار حایل مسیره های ارتباطی مناسب - پله و رمپ- نیز در نظر گرفته شود، امکان صعود گردشگران به بالای تپه فراهم آید. در بخش فوقانی تپه نیز تسهیلاتی چون میلمانی طبیعی از چوب و سنگ و مصالح مشابه جهت استقرار مردم و همچنین سرویس بهداشتی و سایبان های طبیعی- چه بسا از نوع درخت- به جذب این قرارگاه خواهد افزود. دیوار حایل مذکور لازم است لایه به لایه روی هم قرار گیرد و در طول نیز دیوار حایل مذکور لازم است چه در ارتفاع و چه در طول به بخش های کوچکتر تقسیم شده و این بخش ها لایه به لایه روی هم قرار گیرد، تا بدین ترتیب هم دیوار مقیاسی انسانی تر به خود بگیرد و هم فاصله لایه ها به مسیر تردد گردشگران و پوشش گیاهی مناسب اختصاص یابد.

هدف از این طرح هدایت الگوهای رفتاری مردم و به عبارتی هدایت افراد به بالای تپه و فاصله گرفتن از شانه های خاکی کنار جاده می باشد و با این امر مولفه طبیعی هویت (تپه های حاشیه جاده)، مولفه انسانی هویت (حفظ و هدایت الگوهای رفتاری) و مولفه مصنوع هویت (دخل و تصرف منطقی در تپه جهت القاء نماد دژ) احیا می شود.

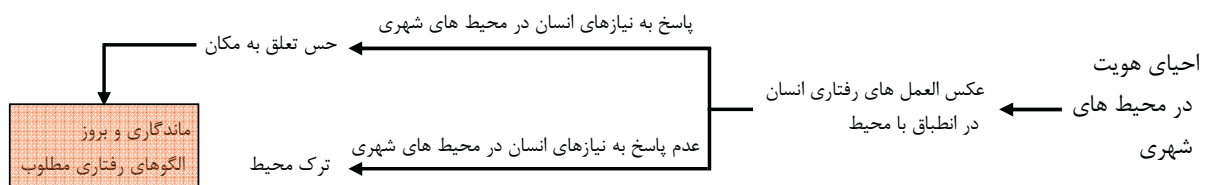
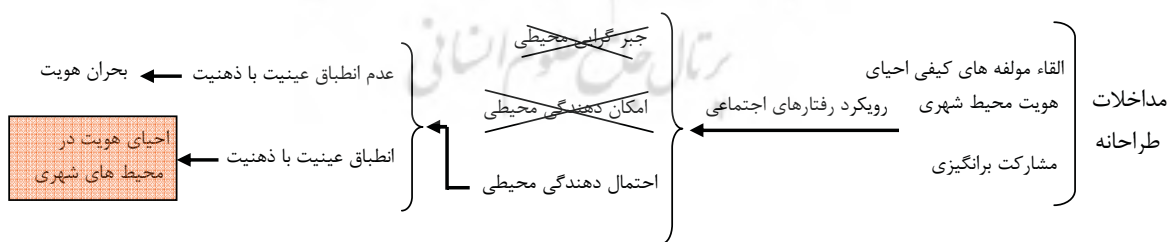
نتیجه گیری

محیط شهری خوب و با هویت مکانی است که تا حدی با شخص و فرهنگ و رفتارهای وی تناسب داشته باشد و ابزاری برای برقراری پیوند بین فرد و جامعه اش، گذشته و تاریخش، حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامونش گردد.

بنابراین ویژگی های و کیفیات مکان ها و محیط های شهری باید بر این اساس شکل بگیرند و تعریف شوند. اما از آنجا که افراد و فرهنگ های بهره وران از این فضاها و محیط ها متفاوت است، انجام این امر تا حدی مشکل می نماید و منوط به استفاده و انتخاب معانی و مفاهیم و خواسته های مشترک است.

اصول احیای هویت شهرها و محیط های شهری که توضیحات آن داده شد، کیفیاتی هستند که باید در شهرها مورد نظر قرار گیرند و به صورت یکی از ارکان اصلی برنامه ریزی و طراحی شهری برای ارتقا و ابقای هویت شهری مطرح می گردند.

مسئله دیگر همانا چگونگی رسیدن به این مفهوم و کیفیت فضایی و بخشیدن مفهوم کارکردی به این موضوع و ارائه دستورالعمل ها و راهکارهای مربوط، در شهرها است.



شکل ۱۳. نمودار ارتباط مداخلات طراحی و احیای هویت در محیط های شهری

۶. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۶)، «مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری»، انتشارات شهیدی، تهران.
۷. حجت، عیسی، (۱۳۸۴)، «هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. رضازاده، راضیه، (۱۳۸۵)، «رویکردی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید تهران.
۹. صفایی منفرد، نسیم، (۱۳۸۶)، «نشانه‌ها و هویت بخشی به محیط شهری در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران.
۱۰. طاهری، حمید رضا، (۱۳۸۱)، «حفظ هویت شهری در نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، به راهنمایی مصطفی عباس زادگان، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. عباس زادگان، مصطفی، (۱۳۸۴)، «ابعاد اجتماعی - روانشناختی فضاها شهری»، مجله بین‌المللی علوم مهندسی، جلد ۱۶، شماره ۱۰.
۱۲. عباس زادگان، مصطفی، (۱۳۸۶)، «آفرینش حس شهروندی با توجه به نیازهای روانشناختی اجتماعی در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید تهران.
۱۳. قاسمی اصفهانی، مروارید، (۱۳۸۳)، «اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافتهای مسکونی»، انتشارات لیلا، تهران.
۱۴. کربلایی نوری، رضا، (۱۳۸۶)، «هویت شهر خاطره»، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران.
۱۵. مهدوی نژاد، محمد جواد و محمدرضا بمانیان و ندا خاکسار، (۱۳۸۹)، «هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و پسا مدرن»، دو فصلنامه هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان ۸۹.
۱۶. مهندسین مشاور فجر توسعه، (۱۳۸۷)، «طرح ساماندهی محور ورودی شهر سنندج از سمت همدان»
- نقره کار (۱۳۸۳)، «جایگاه حکمت هنر اسلامی در بحران معماری و فرهنگ معاصر»، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
17. Carmona, Matthew; Heath, Tim; Oc, Taner; Tiestess, Stive, (2003), "Public place and urban space", Architectural press, London.
18. Dougherty, Dana Lyn, (2006), "Embodinyg the city: Identity and use in urban public space", Virginia,
19. Gehl, Jan, (1987), "life between buildings", Van Nostrand Reinhold company, New York
20. Lang, J., (1987), "Creating architectural theory: The role of the behavioural sciences in environmental design", Van Nostrand Reinhold, New York.
21. Rapaport, A., (1977), "Human aspect of urban form pergamon", Pergamon, Oxford.

بر این اساس به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مذکور در جهت تأمین هویت شهری و در مقیاس کلان می‌توانند مطالعات راهبردی، سیاستگذاری احداث شهر، مکان‌یابی و نهایتاً انتخاب فرم شهر را تحت تأثیر قرار دهند و حتی در شرح خدمات مربوط یا موضوعات در خواستی این نوع مطالعات سرفصل «بررسی هویت شهری و جایگاه و تأثیر آن در این مطالعات» لحاظ گردد. در این مقطع، مؤلفه‌های انسانی و تاریخی بیشتر مطرح اند و تأثیر گذاری بیشتری نیز دارند. طراحان شهری با مداخلات طراحانه در یک فضای شهری در صدد پاسخگویی به نیازهای افراد در فضاهای شهری بر می‌آیند تا در افراد حس تعلق به مکان ایجاد شده و به حضور بیشتر در فضا و برقراری تعاملات اجتماعی تشویق شوند و بالطبع این رویدادها، شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت

1. Identity
2. Identification
3. Out of place
4. مأخذ: نگارنده به نقل از نقره کار، ۱۳۸۳
5. Attitude
6. Enviromental determinism
7. Enviromental posibilism
8. Enviromental probablism

فهرست مراجع

۱. آلمن، ایروین، (۱۳۸۲)، «محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام)»، ترجمه علی نمازبان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۶)، «معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن»، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران، انتشارات دانشگاه بهشتی.
۳. بنتلی، ای‌ین و آلن الکک، پال مورین، سومک لگین، گراهام اسمیت (۱۳۸۲)، «محیط‌های پاسخده»، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۴. بهزادفر، مصطفی، (۱۳۸۶)، «هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران»، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، انتشارات شهر، تهران.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و فرایند طراحی شهری»، انتشارات شهیدی، تهران.